

"Quranic Ta'vil": a gateway to horizons of theology of future studies

(Received: 2023/12/05 Accepted: 2024/06/11)

Mohammad Shamsoddini¹, Mohammad Reza Arab Bafrani²

Abstract

The future has always been an attractive topic for humans in such a way that humans have created methods appropriate to the same period in order to know and be aware of it. In the new era, in addition to discovering the future, modern man, by taking himself to the position of a subject, has also attempted to construct and design the future. The knowledge of studying the future (future studies) is a set of methods that this human has produced to discover, image and build the future. In this research, considering the scope of future studies in the three approaches of foresight, forecast, and forefiction, using library and descriptive-analytical research methods, an attempt has been made to infer a theoretical and cognitive foundation for the future issue through the activism of Quranic role models, in order to open a gateway to the theological horizons of future studies. For this purpose, from the study of the behavior of Hazrat-e Khizr and Hazrat-e Yusuf, the concept of Ta'vil has been extracted and analyzed. This research has come to the conclusion that by explaining the concept of Ta'vil in the sense of foreaware, as the foundation of foresight, forecast, and forefiction, and by preparing its specific requirements, it is possible to prepare a theological plan for future studies.

Keywords: Future studies, futurology, theology, interpretation, Ta'vil

1) Corresponding author: Researcher in Faculty of Hazrat-e Vali-e-asr (Future Studies), Ph.D. Candidate in Systems Management, Department of Systems Management, Faculty of Management and Planning, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Shams.96@ut.ac.ir

2) Assistant Professor, Department of Future Studies, Faculty of Hazrat-e Vali-e-asr (Future Studies) Imam Hossein University, Tehran, Iran. mabafrani@gmail.com



«تأویل قرآنی»: دروازه‌ای به آفاق الهیات مطالعات آیند (آیند پژوهی)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲)

محمد شمس‌الدینی^۱، محمدرضا عرب بافرانی^۲

چکیده

آینده، همواره برای انسان، موضوع جذابی بوده است به نحوی که انسان برای شناخت و آگاهی از آن، در همه‌ی دوره‌ها، روش‌هایی متناسب با همان دوره را خلق کرده است. در دوره‌ی جدید، علاوه بر کشف آینده، انسان مدرن، با برکشیدن خود به مقام سوژگی، ساخت آینده را نیز متعرض شده است. دانش مطالعه‌ی آینده (آینده پژوهی)، مجموعه‌ای از روش‌هایی است که همین انسان، برای کشف، تصویر و ساخت آینده، تولید کرده است. در این پژوهش، با نظر به دامنه‌ی مطالعات آینده در سه رویکرد پیش‌نگری، پیش‌نگاری و پیش‌انگاری، با استفاده از روش پژوهش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی، تلاش شده است تا از میان کنشگری الگوهای قرآنی، بنیادی نظری و شناختی برای مطالعه‌ی آینده، استنباط شود تا دروازه‌ای به آفاق الهیات مطالعات آینده گشوده شود. برای این منظور، از مطالعه‌ی رفتار حضرت خضر علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام، مفهوم تأویل، بیرون کشیده شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به این نتیجه رسیده است که با تبیین مفهوم تأویل به معنای پیش‌آگاهی، به عنوان بنیاد پیش‌نگری، پیش‌نگاری و پیش‌انگاری، و با تدارک ملزومات و مقتضیات خاص آن، می‌توان طرجی الهیاتی برای مطالعات آینده، تدارک کرد.

کلیدواژه‌ها: مطالعات آینده، آینده پژوهی، الهیات، تفسیر، تأویل.



(۱) نویسنده مسئول: پژوهشگر پژوهشکده‌ی حضرت ولیعصر عج (آینده پژوهی)، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام و پژوهشگر دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران.
(۲) استادیار، گروه آینده پژوهی، پژوهشکده‌ی حضرت ولیعصر عج (آینده پژوهی)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

۱. مقدمه

آینده، همواره یکی از دغدغه‌ها و مسائل اساسی انسان بوده و همیشه، یکی از میدان‌های اصلی کنجکاوای آدمی، معطوف به آینده بوده است. در دوره‌ی جدید، با درانداختن طرح سوژگی و عاملیت انسان، این کنجکاوای، یک وجه دیگر نیز پیدا کرده است و آن، تصرف، تغییر و ساخت آینده است. از این روی، در مطالعات آینده، هم کشف آینده و هم ساخت آینده، مطمح نظر انسان است. مسئله‌ی جدی این پژوهش این است که چگونه می‌توان با نظر به متن قدسی، بنیادی برای عاملیت انسان در نسبت با ساخت آینده تمهید کرد. لذا این پژوهش، به دنبال گشایش راهی برای درانداختن طرحی در مطالعه‌ی آینده، از نظرگاه قرآن کریم است و به این منظور، یک پرسش اساسی دارد: در میان معارف و مبانی قرآنی، چه مفاهیم و مواردی را می‌توان به عنوان بنیادی معرفتی برای الهیات چارچوب‌های مطالعه‌ی آینده، در همه‌ی عرصه‌های پیش‌نگری، پیش‌نگاری و پیش‌انگاری، تمهید و تدارک کرد؟ لذا این پژوهش، در پی آن است که مبتنی بر یک نمونه‌ی کنش مبتنی بر آینده در ادبیات قرآن، یک بنیاد نظری برای ورود به آفاق الهیات مطالعات آینده و آینده‌پژوهی (هم در وجه کشف آینده، هم در وجه ساخت آینده و هم در وجه تصویر آینده) ارائه کند.

۲. پیشینه پژوهش

در باب نسبت معارف دینی و مطالعات آینده، پژوهش‌های فراوانی از جنبه‌های مختلف و با رویکردهای متنوع انجام شده است که به طور نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد. شاکری اصل در پژوهشی، برای پاسخ به پرسش «آینده‌پژوهی چگونه می‌تواند موجب تعالی دینی شود؟» یا به عبارتی دیگر، «نقش آینده‌پژوهی در تعالی دینی چگونه ممکن باشد؟ با بررسی مبانی نظری پژوهش مشخص، معتقد است که آینده‌پژوهی به عنوان دانشی که از آینده خاطره می‌سازد، می‌تواند آینده‌ای را ترسیم کند که هم اکنون می‌توان آن را تغییر داده یا ثابت نگه داشت. او معتقد است آینده‌پژوهی مبتنی بر روش علمی است و می‌توان با استفاده از این دانش تا حد زیادی در آینده دخل و تصرف کرد. گرچه آینده غیرقابل پیش‌بینی است اما بهره بردن از این علم شاید تنها راه چاره‌ای باشد که بتوان آینده را خلق کرد. در این نقطه، او پای دین را به عرصه کشیده و می‌گوید که دین از این قاعده مستثنا نیست و برای تداوم یک جامعه دینی و زنده نگه داشتن و حفاظت از یک جامعه مهدوی لازم است به فکر آینده بود (شاکری اصل، ۱۴۰۱). میاحی در پژوهشی، با تأکید بر این نکته که «از جمله موضوعات آینده‌پژوهی که همواره بحث‌انگیز بوده، ارتباط آینده‌پژوهی و اسلام است که در این باره

رویکردهای متعددی وجود دارد» و ارائه‌ی یک دسته‌بندی کلی که برخی معتقدند که دانش سکولار و غربی آینده‌پژوهی با اسلام منافات دارد و برخی معتقدند، اسلام به طور ذاتی آینده‌پژوهی را در بر می‌گیرد به این پرسش پرداخته که چگونه می‌توان الگویی تلفیقی-کاربردی از آینده‌پژوهی، به منظور تعالی جامعه دینی تدوین کرد؟ و نهایتاً یک الگوی تلفیقی از روان‌شناسی دین و روان‌شناسی اجتماعی کاربردی، تدوین و پیشنهاد کرده است (میاحی، ۱۴۰۱). ون دن برگ و گانزوروت در پژوهشی، در جستجوی یک پرسپکتیو سیستماتیک از آینده‌ها برای الهیات عملی، با تکیه بر مطالعات آینده (شامل مطالعات پیش‌گویانه در مورد پیش‌نگری و مطالعات طراحی و معماری)، یک مدل روش شناختی را برای الهیات عملی حساس به آینده پیشنهاد کرده‌اند که محتمل، ممکن و مرجح را در نظر می‌گیرد و به سه حالت منتج می‌شود که در آنها الهیات عملی می‌تواند یک جهت‌گیری و گرایش آینده را به کارگیرد: آرمان‌شهری، پیش‌آگهی-انطباقی، و طراحی-آفرینش (van den Berg & Ganzevoort, ۲۰۱۴).

بریمانی ورنندی با بیان این گزاره که آینده‌نگری، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شریعت مقدس اسلام است و مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع جلوه‌گری غایت‌مندی تاریخ و نظریه جامع و کامل «نجات‌گرایانه» دین، «آموزه مهدویت» است، از همین روی وعده الهی در خصوص شکل‌گیری عصر ظهور حضرت ولی عصر (عج) که یکی از آرزوهای دیرینه مسلمانان است، بخشی از آینده جهان و بشریت را تشکیل می‌دهد، دو نتیجه‌ی کلی را ارائه کرده است: آینده‌پژوهی می‌تواند مباحث و موضوعات راهبردی و استراتژیک را تحت پوشش قرار دهد و با ارزیابی تغییرات و تحولات فرا رو، مسوولیت‌ها و برنامه‌های منتظران را برای رسیدن به جامعه موعود را تبیین و روشن سازد، همچنین تغییرات و تحولات جهانی را در راستای تشکیل حکومت جهانی، مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد و موجب شود افراد نقش خود را در زمینه‌سازی انقلاب جهانی مهدوی (بر اساس رصد کردن تحولات محتمل و ممکن جهانی) بهتر ایفا کنند و در عین حال تصویری روشن و حقیقی، از جامعه مطلوب و مرجح ارائه دهند (بریمانی ورنندی، ۱۴۰۱). برون در پژوهشی با تکیه بر میان‌رشته‌ای بودن و روبه‌گسترش بودن دانش آینده‌پژوهی، به بررسی جایگاه آینده‌پژوهی اسلامی در آیات قرآنی پرداخته است (برون، ۱۴۰۱).

محمودی در پژوهشی معتقد است از آنجایی که رشد و بالندگی آینده‌پژوهی در غرب بوده، مبانی و اصول آن نیز از مدرنیته غربی تاثیر پذیرفته و رنگ و بوی اومانستی و سکولار به خود گرفته است. بر این اساس برای بومی‌سازی آینده‌پژوهی، باید پالایش جدی در رویکردها و مبانی آن صورت گیرد و از منظر دینی-بخصوص از منظر قرآنی- به آن پرداخته شود.



شناخت رویکردهای آینده شناسانه قرآن و توجه به جایگاه آموزه مهدویت در آن، می تواند کمک شایان توجهی در بومی سازی آینده پژوهی کرده و جنبه های دینی آن را تقویت و یافته های آن را واقعی تر سازد (محمودی، ۱۴۰۱). واعظی و قوام با بررسی آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت - علیهم السلام - مدعی شده اند که در اسلام، نگاه به آینده، از اصالت و عمق ویژه ای برخوردار است و با اندیشه و تامل در آیات مربوط به آینده، در می یابیم که آیات و روایات به صورت مکرر، انسان ها را به تفکر، برنامه ریزی و تدبیر برای آینده ای سعادت مند فرا می خواند. آنها معتقدند که قرآن چشم اندازی خیره کننده از آینده ارائه می دهد که در آن، هم هشدار و هم بشارت دیده می شود و از انسان های مطلوب به «متوسمین» تعبیر فرموده است: «ان فی ذلک لآیات للمتوسمین (حجر: ۷۵)». آنها نتیجه گرفته اند که در حقیقت، می توان گفت با توجه به ویژگی هایی که در آیات و روایات برای متوسمین ذکر شده است، این گروه در حقیقت، همان آینده پژوهان هستند (واعظی و قوام، ۱۳۹۴).

علی کرمی و کشاورزی در پژوهشی با بیان این نکته که «علم فقه، بخش عظیمی از هویت خویش را از گذشته می گیرد و این نگاه به گذشته در بعضی مواقع موجب گذشته گرایی و دوری از زمان حال و آینده می شود و فقه را در موضع انفعال قرار می دهد، تلاش کرده اند که عنصر آینده پژوهی را وارد علم فقه کنند تا تصمیم گیران حوزه فقه با تغییرات آینده برخورد پیش دستانه داشته باشند. آنها با این فرض سعی کرده اند که علم میان رشته ای آینده پژوهی را با فقه ترکیب کرده و مفاهیم و روش های آن را به صورت کلی مفهوم سازی و معادل سازی کنند (علی کرمی و کشاورزی، ۱۳۹۳). علویان و حلیمی جلودار در پاسخ به پرسش های «آیا در آموزه های دینی می توان مباحث آینده پژوهی و آینده اندیشی را جستجو کرد؟ و اگر در گستره ی آموزه های دینی، ظرفیت های آینده پژوهی یافت می شود آیات و روایات با آن چگونه مواجه شده است و پیش فرض های آن چیست؟ تکنیک های مورد تأکید اسلام چه مواردی است؟»، با مطالعه، تحلیل و بررسی آیات، روایات و کتب مربوط به این نتیجه رسیده اند که اسلام، در ترسیم وضع مطلوب در آینده، همیشه از وضع موجود بهره جسته است و در آموزه های دینی، برای رسیدن به وضع مطلوب، توجه به همه ی شرایط ضروری به نظر می رسد. لذا پیش فرض هایی چون عدم قطعیت آینده، نقش اراده در تکوین آینده ی بشر، جایگاه امید در فرهنگ اسلامی و... به همراه تکنیک هایی چون سیره ی معصومین، رؤیاهای صادقه و... را به عنوان مهمترین منابع آینده پژوهی توصیه کرده اند (علویان و حلیمی جلودار، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳).

نکته ی قابل توجه در این پژوهش ها این است که عمده ی این پژوهش ها، ناظر به غایت و جهت مطالعه ی آینده مهطوف به نظریه ی انتظار و مهدویت، یا تحدید مطالعات آینده با

قواعد دینی و یا کاربرد مطالعات آینده در موضوعات و دانش‌های دینی انجام شده است. آنچه که کمتر به آن پرداخته شده است، تمهید و تدارک بنیادهای نظری و پیشینی مطالعات آینده است که این پژوهش، مترصد این حیطة شده است تا بتواند دروازه‌ای به آفاق الهیات سایبر بگشاید. روشن است که مطالعات متعددی در باب آینده‌ی الهیات در جوامع دینی مختلف، انجام شده است اما آنچه که منظور این پژوهش است، الهیات آینده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش، یک پژوهش کیفی است که به دنبال شناسایی بنیادهای نظری الهیاتی برای پیش‌اندیشی و کنشگری انسان نسبت به آینده در میان رفتار الگوهای قرآنی است. برای این منظور، از روش کتابخانه‌ای توصیفی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. این پژوهش، دو گام اصلی دارد مشتمل بر گردآوری اطلاعات و تحلیل اطلاعات. روش پژوهش در گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای بوده است که در نسبت با روش میدانی، به معنای مراجعه به منابع و متون دامنه‌ی موضوع پژوهش است (رادان، ۱۳۹۷: ۴۵). روش توصیفی یا غیرآزمایشی، شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. این روش، یک روش پژوهش علمی است که بر خلاف روش‌های پژوهش آزمایشگاهی، بدون دخالت پژوهشگر در متغیرها، انجام می‌گیرد. در گام تحلیل اطلاعات، روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده است که محتوای به دست آمده در گردآوری، مورد تحلیل قرار گرفت. اساساً تحلیل عبارت است از دست‌یابی به کارکرد واحدهای کوچک‌تر که در درون واحد بزرگ‌تر سامان یافته‌اند. در تحلیل، تأکید روی کارکرد اجزاء است و در واقع تحلیل در مقام پاسخگویی به یک سؤال است: الگوی ساخت (انتخاب و ترکیب) و نقش اجزاء چیست؟ (پاکتچی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). کنکاش تحلیلی در سوره قرآن، تحت قواعدی معین است که قواعد تحلیل متن نامیده می‌شوند و بر اساس این قواعد می‌توان موضوع محوری سوره و به تبع آن آیات مهم و مؤثر در انتقال موضوع مشخص را ردیابی نمود که عبارتند از: ۱. توجه به سیاق‌ها و مفهوم مشترك بین آنها؛ ۲. توجه به عناصر درون‌متنی ۳. توجه به عناصر برون‌متنی (حسنی حسین آبادی، نعمتی پیرعلی، آل رسول، و طالب تاش، ۱۴۰۲: ۲۹).

در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای آیاتی از قرآن که در آنها دلالت‌هایی برای پیش‌اندیشی، پیش‌آگهی و کنشگری معطوف به آینده و تصرف انسان در سیر تکوینی وقایع، وجود دارد (به طور خاص، رفتار حضرت خضر علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام)، و نیز استفاده از تکنیک‌هایی مانند ریشه‌شناسی و عبارت‌شناسی مفاهیم



و کنار هم گذاشتن آیات قرآن کریم (تفسیر قرآن به قرآن) و مراجعه به مفاهیم نزدیک مانند خبر، نبأ، قضا و قدر، سیاق الهیاتی معطوف به آینده در آیات و قصص مورد نظر، توصیف و تحلیل شده و شواهدی نظری برای مبانی الهیات مطالعات آینده، به دست آمده است.

۴. مبانی نظری

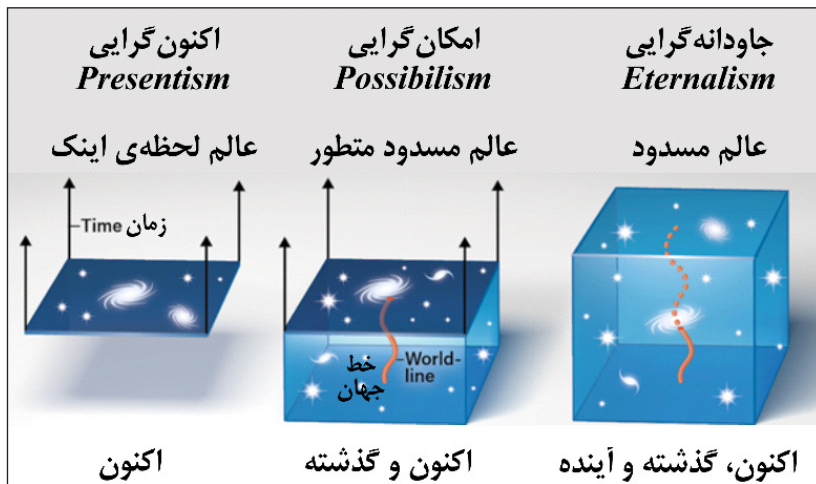
۴-۱. تأویل

تأویل، از آن مفاهیمی است که در میان مفسران و متفکران مکاتب مختلف اسلامی، معانی متعددی برای آن ارائه شده است (اتحاد و حسینی، ۱۴۰۱: ۲۲۴). برخی آن را در نسبت با تفسیر (به معنای برداشت از ظاهر قرآن)، فهم باطن قرآن، معنا کرده‌اند (کبیری راد، حسینی زیدی، و عبادی، ۱۴۰۱: ۶۵). یکی از لوازم فهم معنای تأویل، فهم معنای ریشه‌ی آن و مفاهیم هم‌ریشه‌ی با آن است. ریشه‌ی این واژه، «ا و ل» است که در کتب لغت، به معنای مراجعه و بازگشت (صاحب بن عباد، ۱۳۹۱: ۳۷۷) و قبل از هر چیز (ابن فارس، ۱۳۹۱: ۱۵۹) آمده است. تأویل، به صورت کلی به معانی «تحقق خارجی امور»، «پیامد و عاقبت امور»، «وقوع خارجی واقعیت‌های دنیوی و اخروی»، «تحقق عینی امور در آینده»، «شناخت حوادث آینده» و «دریافت و کشف باطن امور» آمده است و برای هر یک از این معانی، شواهد مشخصی در آیات قرآن کریم، وجود دارد (دسترنج، ۱۳۹۹: ۳۸). تأویل را از نظر علامه طباطبایی ره، حقیقتی واقعی، عینی و والا دانسته‌اند که ممکن نیست در چارچوب واژگان بگنجد و همه‌ی بیانات قرآنی، مستند به چنین پشتوانه‌هایی هستند که خدای متعال برای نزدیک ساختن آنها به فهم بشری، آنها را به نوعی در قالب واژگان و عبارت‌ها در آورده و نسبت آنها به هم، نسبت ظاهر به باطن و شبیه ضرب‌المثل‌هایی است که مراد گوینده را متناسب با فهم شنونده ساخته و به درک او نزدیک و برایش آشکار می‌سازند. بر این اساس، تأویل، حقیقتی خارجی است که معنای کلام به آن تکیه دارد، ولی خود از نوع معانی نیست (مؤدب و دلیر، ۱۳۹۷: ۵۱). تأویل از منظر امام خمینیه، عبارت از بازگرداندن صورت به باطن، قشر به لب و دنیا به آخرت و رسیدن به باطن قرآن است که موکول به خارج شدن از دنیا بوده و رسیدن به آن، مستلزم مجاهدات علمیه و توجه به ظاهر است (ایزدی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳).

۴-۲. مطالعه‌ی آینده

آینده، یک مفهوم اعتباری است که در نسبت با مفهوم «زمان»، شکل می‌گیرد و البته زمان نیز خود، شیئیت ذاتی ندارد. اصالت یافتن زمان فیزیکی، نتیجه‌ی اصالت یافتن بشریت

انسان است (اومانیزم) و وقتی که انسان، قطب عالم شد، همه چیز در نسبت با این مرکزیت، تنظیم می‌شود و از جمله زمان. انسان، خود را مرکز زمان می‌داند و بر این مینا، زمان پیش از این مرکز، گذشته است و زمان بعد از این مرکز، آینده و زمانی که او در آن می‌زید، اکنون. نظر به اصالت دادن وجود هر چند مورد از این سه، در فلسفه‌ی زمان، حداقل سه ایدئولوژی کلی در نسبت با تبیین مسئله‌ی زمان، طرح شده است: اکنونگرایی یا پرنزتیسم به معنای اصالت وجود اکنون، امکان‌گرایی یا پاسیویلیسم به معنای اصالت وجود اکنون و گذشته و جاودانه‌گرایی یا اترنالیزم به معنای اصالت وجود گذشته، اکنون و آینده (McTaggart, 1908; Savitt, 2006; Odenwald, 2022). در اکنون‌گرایی، گذشته و آینده وجود ندارند و عالم، فقط از لحظه فعلی اینک، از لحظه‌ی جاری تشکیل شده است. در عالم مسدود متطور، جهان و عالم، در حال تکامل و تطور است، و زمان حال، مرز فضا-زمان است که در آینده گسترش می‌یابد. در جاودانه‌گرایی، گذشته، حال و آینده، همگی در یک جهان مسدود، وجود دارند و ازل تا ابد، ثابت است. این تبیین‌ها، در شکل زیر قابل مشاهده است.



شکل ۱- سه متافیزیک زمان در فلسفه مدرن

می‌توان از نگاهی الهیاتی، لحظه‌ی اکنون را «وقت» دانست که انسان، در وقت، همچون یک زیپ، زمان و مکان را به هم می‌دوزد و هر انسانی را وقتی است خاص. وضعیت آینده، محصول تغییراتی است که در وضعیت اکنون، با توجه به تعریف از مفهوم زمان، روی می‌دهد. مطالعه‌ی آینده، در واقع مطالعه‌ی وضعیت اکنون، تغییرات، و نسبتی است که میان این دو، برقرار می‌شود؛ از این روی، اساس مطالعه‌ی آینده، مطالعه‌ی تغییر

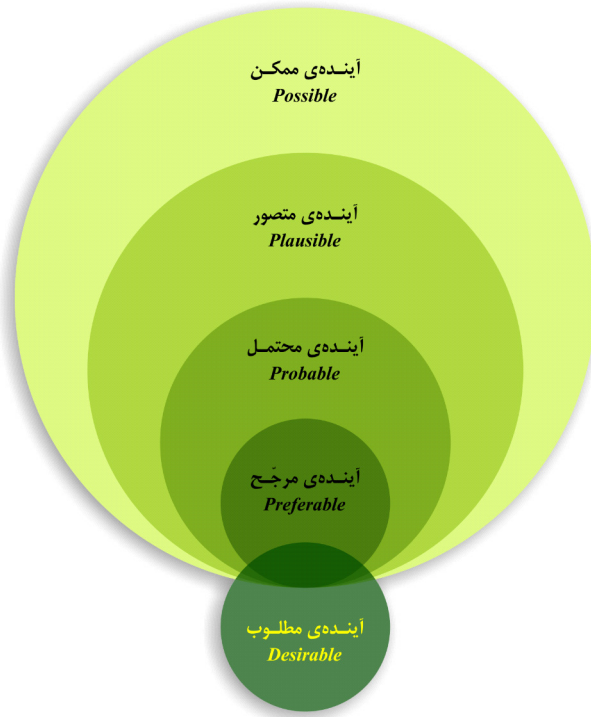
است. همین أنحاء گوناگون مطالعه‌ی تغییر است که منشاء ظهور مکاتب و تکنیک‌های مختلف، مطالعه‌ی آینده است. بسته به اینکه تغییر، در چه افقی، مطالعه شود و یا موضع مطالعه‌کننده، نسبت به تغییر چگونه باشد و یا صرفاً تغییر آفاقی مطالعه شود یا علاوه بر آن، تغییر آنفوسی هم مطالعه شود، نحوه‌ی مطالعه‌ی آینده، فرق می‌کند. منشاء تغییر در نگاه مدرن، با نگاه توحیدی، متفاوت است و همین تفاوت، آینده و مطالعه‌ی آینده در این دو پارادایم را از بنیاد، متمایز می‌کند.



شکل ۲- آینده، محصول تغییر در اکنون: کانون ظهور رویکردهای مختلف مطالعه‌ی آینده

در مطالعات آینده، با توجه به میزان احتمالات و امکان وقوع اتفاقات، از «چند آینده»، صحبت می‌شود. این تقسیم‌بندی انواع آینده، نزد مراکز مطالعاتی و آینده‌پژوهان مختلف، صورت‌های متفاوتی دارد اما در مجموع، می‌توان آینده را به صورت زیر دسته‌بندی نمود که نسبت آنها به هم، در شکل زیر، ارائه شده است:

۱. آینده‌های ممکن: همه‌ی آینده‌هایی که امکان وقوع آنها وجود دارد و در نقطه‌ی مقابل این دسته، آینده‌های ناممکن یا ناینده‌ها (ناینده‌ها) قرار دارند.
۲. آینده‌های متصور یا جایگزین: آینده‌هایی که امکان وقوع آنها وجود دارد و با توجه به وضعیت اکنون، وقوع آنها متصور و منطقی‌تر است.
۳. آینده‌های محتمل: آینده‌هایی که در میان آینده‌های باورپذیر، احتمال وقوع آنها بیشتر است.
۴. آینده‌های مرجح: آینده‌هایی در میان آینده‌های محتمل که وقوع آنها ترجیح داده می‌شود و انسان مایل است، آنها رخ دهند.
۵. آینده‌های مطلوب: آینده‌ای فارغ از آینده‌های پیشین که رخداد آن، مطلوب و خواسته‌ی انسان است.



شکل ۳- نسبت انواع آینده از نظر امکان وقوع

۳-۴. گونه‌شناسی مطالعات آینده

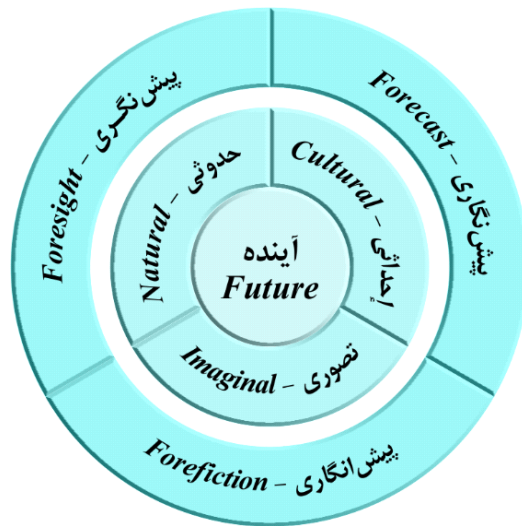
آینده، به لحاظ زمانی، نقطه‌ی مقابل گذشته است، و مطالعه‌ی آینده، نقطه‌ی مقابل مطالعه‌ی تاریخ است. نظر به اینکه آینده، برآیند تغییرات در وضعیت اکنون است و در واقع، وضعیت آینده، محصول گذار وضعیت اکنون از مجرای تغییرات امروز تا آینده است، لذا کیفیت بررسی نحوه‌ی تأثیر و تأثر وضعیت کنونی و تغییرات، منجر به ظهور مکاتب و سبک‌های مختلفی در مطالعات آینده می‌شود که برای درک چارچوب کلی این گونه‌ها و سبک‌ها، تایپولوژی و گونه‌شناسی مطالعات آینده، صورت می‌گیرد. مطالعات متعددی در گونه‌شناسی و طبقه‌بندی روش‌ها و رویکردهای مطالعه‌ی آینده ارائه شده است (Bergman, Karlsson, & Axelsson, 2010; Poli, 2018; Sohail Inayatullah, 2013). گونه‌شناسی را به معنای «دسته‌بندی روش‌های آینده‌پژوهی به صورت استقرایی یا استنتاجی و یا معیارهای مشخص» تعریف کرده‌اند و انواع مختلفی از آن، ارائه شده است (عرب بافرانی و عیوضی، ۱۴۰۰: ۱۰) که در این پژوهش، گونه‌شناسی مورد نظر، به بیانی است که در ادامه خواهد آمد.



در مطالعات آینده، همواره یک سال، به عنوان سال پایه، تعیین می‌شود و به نسبت آن، یک سال دیگر، به عنوان سال هدف، یعنی سالی که آینده در آن افق، مطالعه می‌شود، در نظر گرفته می‌شود. در مطالعات آینده، تکیه بر یک تکنیک یا روش، نگاه جامعی از آینده را به دست نمی‌دهد و لذا برای تحقق نگاه جامع و همه جانبه، معمولاً از دو یا چند روش، با توجه به خصوصیات حوزه‌ی مورد مطالعه و افق مطالعه‌ی آینده، استفاده می‌شود. البته انواع روش‌ها و شیوه‌های مطالعه‌ی آینده نیز، نوعی از ارتباط را با هم دارند که این نیز الزام تکیه نکردن بر یک روش را تأکید می‌کند. در ادامه، تعدادی از روش‌های شاخص‌تر، معرفی می‌شوند. از منظر این پژوهش، آینده به سه نوع کلی تقسیم می‌شود: آینده‌ی طبیعی یا حدوثی، آینده‌ی صناعی یا اِحداثی و آینده‌ی تصویری. دوگانه‌ی طبیعت-فرهنگ (حدوث-احداث یا طبیعت-صناعت)، یکی از الگوهای فکری کلاسیک اندیشمندان غربی است که معتقدند هر چیزی که حاصل دخالت انسان باشد نمی‌تواند متعلق به طبیعت باشد و به همین ترتیب انسان با مخالفت با طبیعت به توسعه فرهنگی دست یافته است (Rammohan, ۲۰۰۵). بر همین مبنا، آینده‌ی حدوثی، آینده‌ای است که نتیجه‌ی طبیعی وضعیت اکنون در اثر تغییرات طبیعی است. تغییرات طبیعی، یعنی آن تغییراتی که بدون فاعلیت و دخالت عامل انسانی، رخ می‌دهند. تبیین این آینده، «پیش‌نگری» یا «آینده‌نگری» است. در مقابل این نگاه، آینده‌ی اِحداثی، طرح می‌شود؛ یعنی آینده‌ای که با دخالت و فاعلیت انسان، صورت گرفته و ساخته می‌شود. تبیین این نوع از آینده، «پیش‌نگاری» یا «آینده‌نگاری» است. تبیین آینده، از هر دوی این مناظر، در مطالعات آینده، بسیار حیاتی و مهم است. این دوروی کرد از مطالعه‌ی آینده، روی کردهای آکادمیک مطالعه‌ی آینده هستند که به صورت رسمی و در مراکز آکادمیک، آموزش داده می‌شوند اما یک روی کرد سومی نیز وجود دارد که در ساحت آموزش غیررسمی، موضوعیت دارد و بر پایه‌ی آینده‌ی تصویری، ظهور یافته است. مطالعه‌ی آینده از این حیث، «تصویرسازی» و «پیش‌انگاری» است که عموماً در حوزه‌ی رسانه‌های جدید و در جهت عمومی‌سازی یک تصویر از آینده، و ذیل روش کلی «تخیل علم» یا «تخیل فانتزی» صورت می‌گیرد.

پیش‌نگری یا آینده‌نگری، شامل روش‌هایی مانند پویش افق، تحلیل روند، پیش‌بینی تکنولوژی، رصد، پویش محیط و تحلیل لایه‌ای علت‌ها می‌شود. مطالعات پیرامون چگونگی ساختن و رقم زدن آینده‌ی مورد نظر و مطلوب انسان، ذیل عنوان پیش‌نگاری، تنظیم و تبیین می‌شود. پیش‌نگاری، مانند درست کردن یک پازل یا صعود به قله‌ی یک کوه یا تأدیب یک کودک و یا کاشت محصول خاصی در یک مزرعه است. در همه‌ی این موارد، هدف و وضعیتی که باید به آن رسید، ابتدا مشخص و شفاف می‌شود و سپس از شیوه‌های مختلف، تلاش برای

تحقق و واقع‌سازی آن وضعیت، صورت می‌گیرد. مشخصه‌ی اساسی همه‌ی این مواردی که از مصادیق پیش‌نگاری گفته شد، این است که در همه‌ی آن‌ها، فاعلیت انسان، عامل اصلی است و در واقع، انسان نظاره‌گر نیست که ببیند چه اتفاقی روی می‌دهد بلکه به‌عنوان عنصر کنش‌گر، دست به اعمال و جهت‌دهی تغییرات در جهت مورد نظر خود می‌زند. در پیش‌نگاری یا آینده‌نگاری، تدبیر اساسی این است که آینده، با هر روش ممکن، از قبل، توسط عامل و فاعل انسانی، «قالب‌گیری و متشکل» شود؛ مانند یک قطعه‌ی گِل رُسی که در دست انسان، به صورت یک ظرف سفالی، شکل داده می‌شود. در این رویکرد است که آینده، به آن صورت و شکلی که انسان، مایل و خواهان است، ساخته و نگاشته می‌شود. روش‌هایی مانند پس‌نگاری، چشم‌انداز دهی، مدل‌سازی و نقشه‌ی راه، در این دسته می‌گنجند. روش‌هایی مانند طراحی سناریو نیز می‌توانند تلفیقی از هر سه دسته‌ی روش‌های پیش‌نگری، پیش‌نگاری و پیش‌انگاری را شامل شوند. نکته‌ی قابل توجه این است که آینده در واقع ترکیبی از همه‌ی آینده‌های طبیعی، صناعی و تصویری است. تصویر کلی گونه‌شناسی آینده و مطالعات آن در زیر ارائه شده است.



شکل ۴- گونه‌شناسی آینده و مطالعات آینده (آینده‌پژوهی)

۵. یافته‌های پژوهش

به دو طریق می‌توان از قرآن کریم، متعرض الهیات مطالعات آینده شد. یک راه این است که از منظر قرآن، چارچوب مفهومی نطالعه‌ی آینده را استخراج کرد. با این رویکرد، تبیین و تشریح مفاهیمی همچون «آت»، «آتیه»، «الساعت»، «عاقبت»، «ارتقاب» و سایر مفاهیمی



که مرتبط با آینده هستند، مورد نظر قرار خواهد گرفت و نسبت‌شناسی آنها با هم و با آینده در افق نظر قرآن کریم، صورت‌بندی خواهد شد. این پژوهش، متعرض این حیطه، نشده است بلکه با بررسی برخی کتشی‌گری‌ها و اراده‌ورزی‌های الگوهای قرآنی، به دنبال تهیه‌ی یک چارچوب نظری برای کنشگری در نسبت با آینده است. برای این منظور، مفاهیم را تبیین و تشریح خواهد کرد اما در دامنه‌ی اقدام و کنش کنشگران قصص و حوادث قرآنی. این پژوهش، به دنبال آن نیست که مطالعات مدرن آینده را انکار یا تکفیر کند بلکه به دنبال طرح آفاق الهیاتی تازه در حوزه‌ی مبانی نظری این دانش است.

۵-۱. در معنای تأویل و خبر

در داستان خضرعلیه السلام و موسیعلیه السلام، چنانی که در سوره‌ی کهف آمده است، در آغاز همراهی، حضرت خضرعلیه السلام به موسیعلیه السلام می‌گوید: قطعاً تو استطاعت همراهی مرا صبراً نداری. چگونه بر آنچه که بدان احاطه‌ی خبری نداری، صبر کنی. موسیعلیه السلام اما پافشاری می‌کند و اما در عمل، همان می‌شود که خضر از آغاز گفته بود. سه واقعه‌ی شگرف در سیر همراهی موسی علیه السلام با خضرعلیه السلام، رخ می‌دهد: نخست یک کشتی را سوراخ می‌کنند؛ سپس خضرعلیه السلام پسر بچه‌ای را می‌کشد؛ نهایتاً در شهری که هیچ پذیرایی از این دو نمی‌شود، خضرعلیه السلام دیواری مخروبه را تعمیر می‌کند. در هر سه، موسی اعتراض می‌کند و خضر همان شرط آغازین را تذکر می‌دهد. پس از واقعه‌ی سوم، خضرعلیه السلام هنگامی که ناتوانی موسیعلیه السلام از صبر در معیت را می‌بیند، می‌گوید: اینک گاه فراق بین من و بین توست. اکنون تأویل آنچه که بدان استطاعت صبر نداشتی را به تو انباء خواهیم کرد: «اما کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند، خواستم آن را معیوب کنم، [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت. و اما نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند، پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشند. پس خواستیم که پروردگارشان آن دو را به پالتر و مهربان‌تر از او عوض دهد. و اما دیوار، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود، و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو بود، و پدرشان [مردی] نیکوکار بود، پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حدّ رشد برسند و گنجینه خود را - که رحمتی از جانب پروردگارت بود - بیرون آورند». خضرعلیه السلام در اینجا، تأکید دارد که «و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم. این بود تأویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی».

در این داستان، سه مفهوم مهم طرح شده است: «تأویل»، «تکوین» و «اراده». خضر نهایتاً به موسی می‌گوید «اینک تأویل رویدادها را به تو می‌گویم» و به موسی، آینده‌ی سه رویداد را می‌گوید. زبان بیان خضر برای گفتن از تأویل در هر سه کنش، بسیار مهم است:

ابتدا یک جریان غالب ذیل فعل «کان» گفته می‌شود و سپس «اراده»‌ی تصرف خضر/خدا در آن جریان گفته می‌شود و هر سه هم ناظر به آینده است؛

جدول ۱- نسبت تکوین، اراده و امر در تأویل خضری

تأویل	تکوین	اراده	امر	تأویل
	أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ... وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا	فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا		
	وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ آبَاؤُهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يَرَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا	فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَةً وَ أَقْرَبَ رُحْمًا	وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي	ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا
	وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا	فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ		

یعنی در آینده‌ی آن جریان تکوینی، یک رخدادی حادث می‌شد و من/ما نظر به آن آینده، اراده کردم/کردیم که در آن تصرف کرده و به جهت دیگری ببرم/ببریم و همه‌ی این افعال، از امر خدا بود (قاعدتاً امر پیش از اراده بوده است)؛ یعنی اراده در تکوین، تصرف می‌کند. در نهایت، وقتی تأویل کنش‌هایش را شرح می‌کند، آن آینده را روشن می‌کند و از آغاز هم به موسی علیه‌السلام گفته بود که تو احاطه‌ی خبری نداری. پس اراده‌ی تغییر قدر به امر خدا، نظر به آینده‌ی ادامه‌ی تکوین، تأویل خضری است و پیش‌اندیشی آینده‌پژوهانه، شأنی از شئون حضرت خضر علیه‌السلام است. در واقع، خضر علیه‌السلام، خبیر است و موسی علیه‌السلام، نبی. «خبر» و نسبتش با «نبأ» هم یکی از مفاهیم کلیدی این ماجرا است.

برای دانستن معنای تأویل، باید آیات دیگر را هم مشاهده کرد. یکی از داستان‌های هم‌تافته با موضوع تأویل، داستان حضرت یوسف علیه‌السلام است. یوسف علیه‌السلام، رؤیایی می‌بیند که یازده ستاره و خورشید و ماه، ساجد اویند. در همان آغاز گفته می‌شود که پروردگارت تو را بر می‌گزیند و از تأویل احادیث، تعلیمت خواهد کرد. داستان چنانی که می‌دانیم، پیش می‌رود. یک بار دیگر در میانه‌ی داستان، آنجایی که یوسف علیه‌السلام، غلام درگاه مصر می‌شود، حضرت الله تأکید می‌کند که «و این چنین ما برای یوسف در زمین تمکین کردیم و برای اینکه به او تأویل احادیث را بیاموزیم، و خدا بر کار خویش چیره است».



ماجرای زلیخا و یوسف علیه السلام، رخ می‌دهد. یوسف علیه السلام نهایتاً به زندان می‌افتد. در زندان، دو جوان هستند که در رؤیا می‌بینند و از یوسف علیه السلام می‌خواهند که آنها را از تأویل آن، آگاه کند. منظور آن دو، این است که بر مبنای این خواب‌ها، آینده‌ی ما را به ما بگو. یوسف علیه السلام آینده‌ی این دو را تأویل می‌کند. تأویل یوسفی، تأویل احادیث است و در آن، اثری از اراده برای تغییر سیر تکوینی نیست. داستان ادامه پیدا می‌کند تا جایی که حاکم، خوابی می‌بیند. طی داستان، یوسف علیه السلام، تأویل این رؤیا را و آینده را پیش‌گویی می‌کند و نیز می‌گوید که مبتنی بر این تأویل، چه کارهایی انجام دهند. سرانجام یوسف علیه السلام خزانه‌دار سرزمین مصر شده و در زمین، برای او تمکین می‌شود. داستان برادرها آغاز می‌شود و نهایتاً با رسیدن یوسف علیه السلام به مقام «عزیز»، سجده‌ی آنها برای یوسف علیه السلام، رخ می‌دهد. سخن پایانی یوسف علیه السلام این است: «ای پدر، این است تأویل رؤیای پیشین من؛ به یقین، پروردگار آن را راست گردانید».

در رؤیای فرمانروای مصر، یوسف علیه السلام سخنی از کنشی که تصرف در سنت جاری تکوینی باشد، نمی‌گوید و فقط واکنش نسبت به این رخداد را روشن می‌کند. یعنی اراده‌ای برای تغییر خشکسالی و ترسالی طرح نمی‌کند بلکه فقط می‌گوید که واکنش شما چه باشد. در رؤیای دو هم‌زندان هم از آنجایی که «قضای امر» شده است و فضا، فضای قضا است و نه قدر، امکان تغییر در آینده‌ها وجود ندارد. در داستان کلی هم که سیر یوسف علیه السلام است، ایشان تصرفی نمی‌کند و منتظر می‌ماند تا در سیر «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ»، تأویل بیاید و در آخر هم می‌گوید که پروردگار، حقاً آن تأویل را جعل کرد. در مورد تأویل، یک نکته‌ی مهمی وجود دارد و آن این است که فعل تأویل چیست؟ یعنی در قرآن، فعلی که همراه مفهوم تأویل می‌آید، چه جنسی دارد؟ فعل تأویل، «آمدن» است یعنی تأویل «می‌آید»؛ تأویل، «آینده» است؛ تأویل، «آتی» است. نمونه‌هایی از این موضوع در قرآن وجود دارد: «روزی که تأویلش بیاید»، «و هنوز تأویل او برایشان نیامده است» و «تأویل او را به شما می‌گویم پیش از آنکه [آن دو تأویل] به شما برسند». تأویل وقتی می‌آید، روشن می‌شود که یک واقعه چرا روی داده است و یا یک خواب، صورت واقعی پیدا می‌کند.

۵-۲. در معنای خبر، حکم و نبأ

چنان که گفته شد، دو مفهوم دیگری که باید نسبت و جایگاهشان در این چارچوب نظری روشن بشود، «نبأ» و «خبر» هستند. در قرآن کریم، گفتن تأویل به دیگران و آگاه کردن آنها از تأویل احادیث یا رؤیا، «تنبئه»، خوانده شده است (باب تفعیل). این نمونه‌ها را ببینید: ما را از تأویلش آگاه کن، شما را از تأویل آن دو آگاه می‌کنم، من شما را به تأویلش آگاه می‌کنم، تو را از تأویل آنچه که توانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت. برای دانستن معنای «خبر» و نسبت آن با

«نبأ»، باید به نهج البلاغه توجه کرد: در حکمت ۳۱۳ نهج البلاغه، از قول امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که «وَفِي الْقُرْآنِ نَبَأًا مَا قَبَّلَكُمْ وَخَبَرًا مَا بَعْدَكُمْ وَحُكْمًا مَا بَيْنَكُمْ - در قرآن، نبأ قبل از شما و خبر بعد از شما و حکم بین شما (اکنون) آمده است». طبق این نقل، زمان به سه بخش قبل، بین (اکنون) و بعد، تقسیم شده است که سواد و دانش نسبت به قبل، «نبأ»، سواد نسبت به اکنون، «حکم» و سواد نسبت به بعد (آینده)، «خبر» نامیده شده است که همه‌ی این انواع سواد، از قرآن کریم قابل کشف است. انباء که توسط انبیاء و پیغام‌آوران به انسان رسیده است، سواد تاریخی و گذشته است. اخبار، که توسط خبیران به انسان می‌رسد، سواد آینده است و احکام، که مایه‌ی حکمت است و اختلافات بینابین را فیصله می‌دهد و تکلیف اکنون انسان را روشن می‌کند و منبع آن حکیمان هستند، سواد اکنون است (شمس الدینی و فولادی قلعه، ۱۴۰۰: ۱۱۸). آنجایی که خضر علیه السلام به موسی علیه السلام گفت نمی‌توانی بر همراهی من صبر کنی، دلیلش را گفته بود که «احاطه‌ی خبری» نداری؛ یعنی از آینده آگاه نیستی. استفاده‌ی از آینده، برای انجام کنش امروز، موضوع بسیار مهمی است که در ادبیات نظریه‌ی سیستم‌ها، در حوزه‌ی Anticipatory Systems و در حوزه‌ی مطالعات آینده در حوزه‌ی Anticipation، مطالعه می‌شود (Louie, 2010; Miller et al., 2013; Rosen, 2012).

۵-۳. در معنای قضا و قدر

دو مفهوم دیگری که بعد دیگری از چارچوب نظری الهیات مطالعات آینده را از نظرگاه قرآن کریم روشن می‌کنند، قضا و قدر هستند. «ما در اسلام و در تعبیرات دینی، چیزی داریم به نام تقدیر، چیزی داریم به نام قضا، که روی هم گفته می‌شود قضا و قدر. ما به قضا و قدر اعتقاد داریم؛ هم قدر، حق است، هم قضا، حق است. بعضی‌ها خیال می‌کنند آدم اگر معتقد به قضا و قدر شد، نمی‌تواند اراده و قدرت انتخاب انسان را مؤثر بداند؛ این همان بد فهمیدن معنای قضا و قدر است. نه خیر، ما کاملاً به قضا و قدر و حق انتخاب انسان معتقدیم؛ اینها مکمل یکدیگرند. قدر یا تقدیر به معنای اندازه‌گیری و تعیین اندازه است؛ یعنی قوانین عالم را مشخص کردن، و علت‌ها و معلول‌ها و رابطه‌ی آنها را فهمیدن. کسی که زهری را می‌نوشد، تقدیر او مردن است. تأثیر زهر روی جهاز هاضمه و گردش خون و عوامل حیاتی انسان این است که او را از بین ببرد و بگذشد. کسی که از بالای بلندی خودش را زمین می‌اندازد، تقدیر او له شدن و خرد شدن است. کسی که از این جا بلند می‌شود و تصمیم می‌گیرد به سمت قله‌ی الوند برود، وقتی حرکت کرد، تقدیر او رسیدن به قله‌ی الوند است. علل و عوامل را خدای متعال به وجود آورده است و بر این علل و عوامل، معلولات و مسبباتی را مرتب کرده است». گویی قَدَر، مجموعه‌ی گزینه‌ها و راه‌ها و تبعاتی است که می‌توان در هر جا انتخاب کرد؛ نتیجه و سرنوشت و اندازه‌ی گزینه‌ها



و امکانات پیش روی انسان است. هر قدری که انتخاب می‌شود و از گزینه تبدیل به گزینش می‌شود، قضا می‌شود و سایر قدرها را به حاشیه می‌برد. «شما آیا عاملی را که به نتیجه‌ای می‌رسد، انتخاب می‌کنید یا نمی‌کنید؟ اگر انتخاب کردید، تقدیری که دنباله‌ی این انتخاب است، می‌شود قضا. قضا یعنی حکم؛ یعنی حتم. در معنای قضا، حتمیت و قطعیت وجود دارد. یک وقت هست شما انتخاب نمی‌کنید؛ فرض بفرمایید سر چندراهی می‌رسید. اطراف میدانی، چند خیابان وجود دارد. تقدیر کسی که از خیابان اول حرکت کند، این است که به فلان نقطه برسد. تقدیر کسی که از خیابان دوم حرکت کند، این است که به فلان نقطه برسد. تقدیر کسی که از خیابان سوم و چهارم و پنجم و ششم حرکت کند، رسیدن به نقاطی است که این خیابان‌ها به آنها منتهی می‌شود. اگر شما تصمیم گرفتید از این میدان به هیچ‌کدام از این خیابان‌ها نروید، آیا این تقدیرها درباره‌ی شما تحقق پیدا خواهد کرد؟ نه، شما نرسیدن به این اهداف را انتخاب کرده‌اید؛ بنابراین نمی‌رسید. اگر خیابان اول را انتخاب کردید و تصمیم گرفتید و نیرویتان را به کار انداختید و رفتید، به آن نتیجه می‌رسید. قضای شما، یعنی حکم حتمی شما، این است که به آن هدف برسید. چیزی که می‌تواند هر تقدیری را به قضا تبدیل کند، اراده‌ی شماست. تقدیر، ترسیم شده است؛ اما این تقدیر درباره‌ی شما حتمیت ندارد؛ این شما هستید که با اراده و همت و اقدام خود، به آن تقدیر حتمیت می‌دهید». از این منظر، قدر الهی، قابلیت محو و اثبات دارد اما قضای الهی، قدر تثبیت شده و قطعی شده است. این بیان، «تحلیل اسلامی قرآنی دقیق» عاملیت، اراده‌ورزی و سوژگی انسان در نسبت با امکان آینده و ساخت آن است. پس اراده، قضای قدر است و در دامنه‌ی قضا، صحبت از اراده، معنا ندارد، چون امکان اعمال اراده، بسته شده است. لذا فقط می‌توان از کشف آینده و از آینده‌نگری و پیش‌نگری سخن گفت. اما در دامنه‌ی قدر، که اراده موضوعیت دارد، انسان آینده دارد به این معنا که امکان اعمال اراده وجود دارد پس می‌توان از ساخت آینده، پیش‌نگاری و آینده‌نگاری سخن گفت. گریز امیرالمؤمنین علیه السلام از قضای الهی به قدر الهی، برای رسیدن به امکان آینده است، برای باز کردن امکان اعمال اراده است، برای گزینش دار کردن انتخاب است. با فرار از قضا به قدر، دالان زمان، وسیع و گزین‌مند می‌شود.

نتیجه‌گیری

نظر به مباحث فوق، روشن است که تأویل، از مفاهیم مبهم و پرمعنای قرآنی است که به نظر می‌رسد یکی از معانی مهم آن، که در گشایش آفاق الهیات مطالعات آینده‌کاربردی باشد، «پیش» و «بر» است. در این معنا، تأویل، به معنای «تحقق خارجی امور»، «پیامد و

عاقبت امور»، «وقوع خارجی واقعیت‌های دنیوی و اخروی»، «تحقق عینی امور در آینده»، «شناخت حوادث آینده» و «دریافت و کشف باطن امور» نزدیک می‌شود (دسترنج، ۱۳۹۹: ۵۰). بنابراین مفاهیمی مثل «أول» و «اولی» (بر وزن أفعال و فعلی)، به معنای «پیش‌تر» و «برتر» هستند و عباراتی مانند *أولى الألباب* یعنی خردبرتران، *أولى الأمر* یعنی برتران در امر، *أساطير الأولين* یعنی اساطیر پیشینیان و پیشتران (مثلاً پیش‌دادیان) و آل فلان یعنی کسانی که «فلان»، برتر آنهاست. در این معنا، تأویل، «پیش‌آگاهی» است که در تأویل خضری، به پیش‌نگاری و در تأویل یوسفی، به پیش‌نگری و پیش‌انگاری تبدیل می‌شود. در عمل، مواردی همچون پیش‌گیری، پیش‌اندیشی، پیش‌اندازی و ... از مفاهیم این دامنه‌ی نظری هستند. دانش تأویل، دانش مطالعه‌ی آینده است و به عنوان بنیاد الهیاتی مطالعات آینده، قابل طرح و تدقیق است. مطالعه‌ی آینده در تأویل خضری، قدرمحور است و مطالعه‌ی آینده در تأویل یوسفی، قضا محور.

تأویل، یکی از دانش‌های بسیار خاص و تخصصی الهی است. نتیجه این‌که برای فهم تأویل در برخی آیات قرآن باید یک پرسش طرح کرد: از حیث آینده و تأویلاً، چه چیزی أحسن است؟ اطاعت الله/رسول/اولی الأمر و ردّ تنازع به الله/رسول، و وزن به قسطاس مستقیم، «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» است؛ یعنی بهترین آینده را شکل می‌دهد. قسطاس مستقیم را در برخی روایات، امام و آل محمد علیهم السلام دانسته‌اند. پس فرایند آینده‌پژوهی خضری اینگونه است که با نظر به آتیه و آینده‌ی تکوین کنونی و کشف نامطلوب بودن آن، اراده‌ی تصرف و تغییر در این سیر تکوینی، فعال می‌شود. این جنس از تأویل، ملزومات و مقتضیاتی دارد که برای رسیدن به آن، تدارک آن لوازم، اجتناب ناپذیر است که یک دسته از این لوازم، نظری و شناختی است و یک دسته، عملی و رفتاری. این معنای از تأویل، وقتی ممکن است (دسترنج، ۱۳۹۹: ۵۱) که اولاً در ساحت نظر، معتقد به ظهور و بطون عالم باشیم به این معنا که هر شیء و امری در هستی، ظاهر و باطن دارد و حضرت حق، تأویل همه‌ی امور است و ثانیاً در ساحت عمل، این جنس از تأویل، در دسترس همگان نیست و با علوم اکتسابی، حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند مجاهده‌ی نفسانی و تزکیه‌ی انفسی است.



منابع

- ۱- منابع فارسی
- ۲- ابن فارس. (۱۳۹۱). معجم المقاییس اللغة (۵/۳). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، جامع الأحادیث.
- ۳- اتحاد، سیده فرناز، و حسینی، سید معصوم، (۱۴۰۱). بررسی و تبیین مفهوم تأویل در قرآن از منظر فریقین. تأویلات قرآنی، ۴(۸)، ۲۱۴-۲۳۴.
- ۴- ایزدی، مهدی، و عبدالله زاده، علی، (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی وجوه معناشناختی و وجودشناختی مفهوم «بطن» و «تأویل» با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی و امام خمینی. تأویلات قرآنی، ۱(۱)، ۷۳-۵۵.
- ۵- برون، مهرداد، (۱۴۰۱). جایگاه آینده پژوهی اسلامی در آیات قرآنی و روایات اسلامی. اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی.
- ۶- بریمانی وزندی، محمد جواد، (۱۴۰۱). بررسی آینده پژوهی مهدوی بر اساس مبانی اسلام. اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی.
- ۷- پاکتچی، احمد، (۱۳۸۹). روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۸- حسنی حسین آبادی، حمیده، نعمتی پیرعلی، دل آرا، آل رسول، سوسن، و طالب تاش، عبدالمجید، (۱۴۰۲). تحلیل سوره احزاب بر اساس واژه کلیدی اطاعت. مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۱(۱۷).
- ۹- دسترنج، فاطمه، (۱۳۹۹). معنا شناسی «تأویل» در قرآن با تأکید بر روابط مفهومی. تأویلات قرآنی، ۲(۴)، ۵۵-۳۲.
- ۱۰- رادان، فاطمه، (۱۳۹۷). مبانی پژوهش و روش تحقیق کتابخانه‌ای.
- ۱۱- شاکری اصل، سهیلا، (۱۴۰۱). آینده پژوهی چگونه موجب تعالی دینی می‌شود؟ مطالعه ای کوتاه. اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی.
- ۱۲- شمس الدینی، محمد، و فولادی قلعه، کاظم، (۱۴۰۰). سواد آینده؛ مهارت لازم برای زندگی در قرن ۱۵ خورشیدی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۱۰۹-۱۲۲.
- ۱۳- صاحب بن عباد. (۱۳۹۱). المحيط فی اللغة (۵/۳). قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، جامع الأحادیث.
- ۱۴- عرب بافرانی، محمدرضا، و عیوضی، محمدرضا، (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی گونه‌شناسی‌های روش در آینده پژوهی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۷-۳۶.
- ۱۵- علویان، مرتضی و حلیمی جلودار، حبیب‌الله، (۱۳۹۳). آینده پژوهی از منظر آموزه‌های دینی. مطالعات فهم قرآن، ۲(دو)، ۱۲۷-۱۴۰.
- ۱۶- علی کرمی، رضا، و کشاورزی، محمد، (۱۳۹۳). ضرورت آینده پژوهی در فقه اسلامی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۴)، ۷۱-۸۴.
- ۱۷- کبیری راد، محسن، حسینی زیدی، سید ابوالقاسم، و عبادی، مهدی، (۱۴۰۱). نگاهی جدید به نظریه تفسیر تمثیلی با تأکید بر تأویل قرآن. تأویلات قرآنی، ۴(۸)، ۶۰-۹۳.
- ۱۸- مؤدب، سیدرضا، و دلیر، محسن. (۱۳۹۷). مفهوم شناسی تأویل و کاربرد آن در تفسیر المیزان. تأویلات قرآنی، ۱(۱)، ۳۲-۵۴.
- ۱۹- محمودی، پیام. (۱۴۰۱). جایگاه آینده پژوهی اسلامی، تبیین و اصول آن از منظر آیات قرآن و روایات. اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی.
- ۲۰- میاحی، حکیم. (۱۴۰۱). ارائه مدل تلفیقی- کاربردی آینده پژوهی: مسیری برای تعالی جامعه دینی. اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی.
- ۲۱- واعظی، محمود، و قوام، زینب سادات. (۱۳۹۴). جایگاه آینده پژوهی در آیات و روایات. بصیرت و تربیت اسلامی، ۳۴(۱۲)، ۷۱-۹۸.

منابع انگلیسی

- 22- Bergman, A., Karlsson, J. C., & Axelsson, J. (2010). Truth claims and explanatory claims—An ontological typology of futures studies. *Futures*, 42(8), 857–865. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.futures.2010.02.003>
- 23- McTaggart, J. E. (1908). The Unreality of Time. *Mind*, 17(68), 457–474. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/2248314>
- 24- Odenwald, S. (2022). The struggle to find the origins of time. *Astronomy*.
- 25- Poli, R. (2018). A note on the classification of future-related methods. *European Journal of Futures Research*, 6(1), 15. <https://doi.org/10.1186/s40309-018-0145-9>
- 26- Rammohan, K. R. (2005). *Ecological Anthropology: Cultural and Biological Dimensions*. ebooks.inflibnet.ac.in.
- 27- Savitt, S. (2006). Presentism and eternalism in perspective. In D. Dieks (Ed.), *The Ontology of Spacetime I*. Elsevier.
- 28- Sohail Inayatullah. (2013). *Futures studies: Theories and methods. There's a Future. Visions for a Better World.*, (May), 36–66.
- 29- van den Berg, J. A., & Ganzevoort, R. R. (2014). The art of creating futures – practical theology and a strategic research sensitivity for the future. *Acta Theologica*, 34(2), 166–185.
- 30- <https://doi.org/10.4314/actat.v34i2.10>



Resources:

- 1- Ibn Fars. (1391). Al-Maqays al-Lagha dictionary (3/5). Qom: Computer Research Center of Islamic Sciences, Al-Ahadith University.
- 2- Etihad, Seyedeh Farnaz., and Hosseini, Seyedmasoum. (1401). Examining and explaining the concept of interpretation in the Qur'an from the perspective of the parties. Qur'anic interpretations, 4(8), 214-234.
- 3- Izadi, Mahdi., and Abdullahzadeh, Ali. (1397). A comparative study of the semantic and ontological aspects of the concepts of «Batan» and «Tawil» with an emphasis on the views of Allameh Tabatabai and Imam Khomeini. Qur'anic interpretations, 1(1), 55-73.
- 4- Boroon, Mehrdad. (1401). The position of Islamic futurology in Quranic verses and Islamic narratives. The first national conference of Mahdism and Futurism.
- 5- Barimani Varandi, Mohammadjavad. (1401). Examining Mahdavi future studies based on the foundations of Islam. The first national conference of Mahdism and Futurism.
- 6- Pakatchi, Ahmad. (1389). Research method based on Quran and Hadith sciences. Tehran: Imam Sadegh University (AS).
- 7- Hosni Hosseinabadi, Hamideh, Nemati Pirali, Delara., Al-e Rasoul, Soosan, and Taleb Tash, Abdolmajid. (1402). Analysis of Surah Al-Ahzab based on the keyword obedience. Quranic studies and Islamic culture, 7(1).
- 8- Deštranj, Fatemeh. (1399). Semantics of «Ta'vil» in the Qur'an with an emphasis on conceptual relationships. Qur'anic interpretations, 2(4), 32-55.
- 9- Radan, Fatemeh. (1397). Basics of research and library research method.
- 10- Shakri Asl, Soheila. (1401). How does future research lead to religious excellence? A short study. The first national conference of Mahdism and Futurism.
- 11- Shamsoddini, Mohammad, and Fooladi Qala, Kazem. (1400). future literacy; Necessary skills for living in the 15th century. Islamic Revolution Future Studies, 2(1), 109-122.
- 12- Sahib bin Abad. (1391). The environment in the language (3/5). Qom: Computer Research Center for Islamic Sciences, Al-Ahadith University.
- 13- Arab Baferani, Mohammadreza, and Eivazi, Mohammadreza. (1400). A comparative study of typologies of methods in future research. Islamic Revolution Future Studies, 2(1), 7-36.
- 14- Alavian, Morteza., and Halimi Jolodar, Habibollah. (1393). Future studies from the perspective of religious teachings. Studies in understanding the Qur'an, 002(2), 127-140.
- 15- Alikarami, Reza, and Keshavarzi, Mohammad. (1393). The necessity of future research in Islamic jurisprudence. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities, 6(4), 71-84.
- 16- Kabiri Rad, Mohsen, Hosseini Zeidi, Seyed abolghasem, and Ebadi, Mahdi. (1401). A new look at the theory of allegorical interpretation with an emphasis on the interpretation of the Qur'an. Qur'anic interpretations, 4(8), 60-93.
- 17- Moadeb, Seyedreza, and Delir, Mohsen, (1397). The concept of interpretation and

- its application in Tafsir al-Mizan. Qur'anic interpretations, 1(1), 32-54.
- 18- Mahmoudi, Payam. (1401). The position of Islamic futurology, explaining its principles from the perspective of Quranic verses and hadiths. The first national conference of Mahdism and Futurism.
- 19- Miyahi, Hakim. (1401). Presenting the integrated-applied model of future research: a path for the excellence of the religious society. The first national conference of Mahdism and Futurism.
- 20- Vaezi, Mahmoud, and Qavam, Zeinabsadat. (1394). The place of future studies in verses and traditions. *Islamic Insight and Education*, 34(12), 71-98.
- 21- Bergman, A., Karlsson, J. C., & Axelsson, J. (2010). Truth claims and explanatory claims—An ontological typology of futures studies. *Futures*, 42(8), 857–865.
- 22- <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.futures.2010.02.003>
- 23- McTaggart, J. E. (1908). The Unreality of Time. *Mind*, 17(68), 457–474. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/2248314>
- 24- Odenwald, S. (2022). The struggle to find the origins of time. *Astronomy*.
- 25- Poli, R. (2018). A note on the classification of future-related methods. *European Journal of Futures Research*, 6(1), 15. <https://doi.org/10.1186/s40309-018-0145-9>
- 26- Rammohan, K. R. (2005). *Ecological Anthropology: Cultural and Biological Dimensions*. ebooks.inflibnet.ac.in.
- 27- Savitt, S. (2006). Presentism and eternalism in perspective. In D. Dieks (Ed.), *The Ontology of Spacetime I*. Elsevier.
- 28- Sohail Inayatullah. (2013). *Futures studies: Theories and methods. There's a Future. Visions for a Better World.*, (May), 36–66.
- 29- van den Berg, J. A., & Ganzevoort, R. R. (2014). The art of creating futures – practical theology and a strategic research sensitivity for the future. *Acta Theologica*, 34(2), 166–185.
- 30- <https://doi.org/10.4314/actat>

